

قاتلی که عاشق مار بود

گروه حوادث-مرضیه همایونی / رتبه ۱۹۳ کتکور سراسری که از بچگی عاشق مار بوده، جزئیات قتل مرد جوانی را برملا کرد که با سرنگ حاوی سم مار، او را به قتل رسانده بود.



از گوشه و کنار ایران

شهادت رئیس پلیس امنیت فیروزآباد



رئیس پلیس امنیت عمومی فیروزآباد که سه ماه قبل در جریان درگیری با شرور مسلح مجروح شده بود، درگذشت.

سرهنگ احسان بخشنده رئیس پلیس امنیت عمومی فیروزآباد، شهروبر امسال در عملیات دستگیری

شرور مسلح مجروح و در بیمارستان بستری شد اما شامگاه دوشنبه ۴ دی پس از ۳ ماه تحمل درد و رنج به شهادت رسید. گفتنی است روز ۲۶ شهریور امسال مشخص شد یک شرور مسلح در فضای مجازی اقدام به آوازش گری و قدرتمندی با سلاح جنگی کلاش کرده و کامیون‌داران را تهدید کرده در صورتی که اعتصاب نکنند، آنها را به قتل خواهد رساند. بنابراین مأموران انتظامی شهرستان فیروزآباد به سرکامیونی شهید احسان بخشنده به همراه ۲ نفر از کارکنان ضمن هماهنگی قضایی به محل اختفای متهم واقع در روستای دهریم در محور فیروزآباد-عسلویه اعزام شدند اما متهم با اطلاع از حضور پلیس در تاریکی شب در انتهای کوچه پنهان شد و با سلاح کمربندی به سمت مأموران تیراندازی کرد که منجر به مجروح شدن سرهنگ بخشنده شد.

براساس اعلام مرکزاطلاع‌رسانی پلیس فارس، پیکر مظهرین شهید و الا مقام ساعت ۱۰ صبح چهارشنبه ششم دی ماه در حرم مظهر شاهچراغ (ع) تشییع و برای خاکسپاری به روستای حسین‌آباد از توابع بخش سیاخ دازنگون شیراز انتقال داده می‌شود.

کشف ۸ هزار قطعه زبان حیوان در خودرو



مأموران پلیس میناب یک محموله بزرگ زبان حیوان را در یک خودروی پخچالدار کشف کردند.

حبیب مسیحی مدیرکل حفاظت محیط زیست هرمزگان گفت: شامگاه دوشنبه مأموران نیروی انتظامی یک محموله بزرگ زبان حیوانات وحشی که به نظر می‌رسید زبان گراز باشد، در شهرستان میناب کشف کردند. این محموله که زیر یک بار ماهی در خودرو پخچالدار جاسازی شده بود، از مسیر چهارپار به سمت استان فارس بازگویی شده و در حرکت بود. شمار این محموله بیش از ۸ هزار عدد است البته کارشناسان در حال بررسی دقیق موضوع هستند و ممکن است این شمار زیاد زبان حیوان متعلق به گاو یا گوساله باشد. مسیحی اضافه کرد: با توجه به مبدأ این محموله که از چابهار بوده ممکن است محل بازرگانی آن پاکستان یا دیگر کشورهای همسایه باشد.

مرگ خاموش خانواده ۴ نفری در «کشانک»

اجساد پدر، مادر و دو فرزندشان که بر اثر گازگرفتگی جان باخته بودند، پس از ۳ روز در خانه‌شان واقع در روستای «کشانک» سلمقان کشف شد.

دکتر تقی دولت‌آبادی رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی گفت: عصر دوشنبه در پی تماس تلفنی با اورژانس ۱۱۵، مینی برکاز گرفتگی چهار نفر از اعضای یک خانواده در یک منزل مسکونی، بلافاصله نیروهای امدادی به محل وقوع حادثه اعزام شدند. با حضور امدادگران در محل مشخص شد پدری ۴۵ ساله، مادری ۳۶ ساله و دو فرزند دختر و پسر خانواده بر اثر گازگرفتگی جان باخته‌اند و از مرگ آنها ۳ روز گذشته است.

راننده بدحال با اتوبوس وارد میدان شد



بدحالی ناشی از افت قند خون راننده اتوبوس پشت فرمان باعث شد وی وارد میدان بزرگ شهر خوی شود و با خودروهای دیگر تصادف کند.

غلامحسین رمضان زاده رئیس سازمان حمل و نقل شهرداری خوی گفت: حوالی ساعت شش و بیست و پنج دقیقه عصر چهارم دی راننده اتوبوس خط واحد بعد از تخلیه کامل مسافران در ایستگاه خیابان طالقانی ناگهان دچار افت شدید قند خون شد و در حالی که بدحال بود بی اختیار پایش روی پدال گاز اتوبوس فشرده شد. در همین موقع اتوبوس وارد میدان مرکزی خوی شد و پس از پرش از موانع وارد خیابان شد و با چند خودرو دیگر برخورد کرد.

رمضان زاده ادامه داد: این حادثه تلفات جانی نداشته است و فقط چند خودرو خسارت جزئی دیدند. راننده اتوبوس بلافاصله در محل حادثه توسط اورژانس تحت مداوا قرار گرفت و بعد از آن به بیمارستان منتقل شده و بعد از یک ساعت با درمان کامل از بیمارستان مرخص شد.

دستگیری زندانی فراری بعد از ۱۰ سال

زندانی که پس از دریافت مرخصی از زندان، فراری شده بود، پس از ۱۰ سال زندانی مخفیانه در مخفیگاهش دستگیر شد.

سرهنگ جواد افشاری فرمانده انتظامی شهرستان فریدن گفت: این مرد، ۴۰ ساله که به اتهام ارتکاب جرمی مرتبط با مواد مخدر در حال سیری کردن دوران حبس خود بود، با گرفتن مرخصی از زندان بیرون آمد اما دیگر بزرگداشت و ۱۰ سال زندگی مخفیانه داشت. با اشراف اطلاعاتی مأموران پلیس این فرماندهی مشخص شد، زندانی فراری در خانه‌ای در یکی از محلات حاشیه‌ای این شهرستان مخفی شده است که بررسی موضوع به صورت ویژه در دستورکار قرار گرفت و سرانجام با انجام کار دقیق پلیسی و تحقیقات میدانی نامحسوس و گسترده، مخفیگاه متهم شناسایی و عملیات دستگیری وی به صورت ویژه انجام شد.

به گزارش «ایران»، چند روز قبل خبر و تصاویر لحظه قتل عجیب مرد جوانی با تزریق سم مار در رسانه‌ها منتشر شد. در این فیلم مو نور سیکلت قرمز رنگی در حال عبور از چهارراه بود که ناگهان موتورسواری دو ترک به او نزدیک شد و در یک لحظه ترک نشین موتورسیکلت با دستش کتف موتورسوار دیگر را لمس کرد و خیلی زود از محل متواری شد. ساعتی بعد پسر موتورسوار که سم مار به وی تزریق شده بود، در بیمارستان جان باخت و همین تصاویر سرنخ شناسایی و دستگیری قاتل را به کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت داد.

به خاطر هزینه درمان مادرم وارد باند شدم

سروش، متهم اصلی این جنایت، آرام و خونسرد روی صندلی آبی‌رنگ اداره آگاهی نشسته و از جزئیات قتلی صحبت می‌کند که در نوع خود عجیب است. می‌گوید چون مادرش تومور مغزی داشته و نیاز به پول داشتند، وارد این ماجرای جنایی شد. چه شد که سم مار را برای قتل انتخاب کردی؟ من از بچگی عاشق حیوانات بودم اما در این میان مار

برایم جذابیت دیگری داشت. داشتم بزرگترین باغ خزندگان دنیا را داشتم. شغل چیست؟ رتبه ۱۹۳ کتکور سراسری و دانشجوی آیتی از دانشگاهی رسمی و معتبر بودم اما از دانشگاه اخراج شدم. چند وقتی هم هست که گل فروشی می‌کنم. چه شد که یک پسر درس‌خوان دست به قتل زد؟ اصلاً قصد ما قتل نبود. می‌خواستیم زهر چشم بگیریم. وقتی فهمیدم که مقتول عمویش را اذیت می‌کند و چندباری او را کتک زده، تصمیم گرفتیم که زهر چشمی از او بگیریم تا خودش را کمی جمع کند. با عموی مقتول چطور آشنا شدی؟

هشت ماه قبل داخل پارکی در شهرستان محل زندگی‌ام نشسته بودم که کاوه را دیدم، مردی بلندقامت و خوش‌هیكل. معلوم بود ورزشکار است؛ با او دوست شدم. کاوه دوست صمیمی هاشم -عمو مقتول- بود. دوستی من و کاوه ادامه داشت تا اینکه یکبار که برای معامله دلار به دفتری که کاوه در آن کار می‌کرد، رفته بودم، با هاشم که صاحب دفتر بود، آشنا شدم. چه شد به تو پیشنهاد زهر چشم گرفتن دادند؟

یک هفته قبل از جنایت بود. قرارمان این بود که اسببری لفلل به صورت مقتول بزنیم و بعد از اینکه روی زمین افتاد، با چاقو چند ضربه به او بزنیم اما نقشه‌مان تغییر کرد.

چرا نقشه را تغییر دادی؟

اول اینکه مقتول خیلی قوی هیكل بود و من حرفش نمی‌شدم. حتی زمانی که به او سم را تزریق کردم، یکدفعه مچ دستم را گرفت. احساس کردم یک آچار شلاقی دستم را گرفته، به قدری که دستش زور

داشت و قوی بود. از طرفی موتوروی که سوار آن بود، موتور سرعتی بود و به آن نمی‌رسیدیم. دو روز قبل از جنایت بود که طرح دومی برای این ماجرا در نظر گرفتیم و آن هم تزریق سم مار بود. ماری را خریداری کردم و زهرش را گرفته و داخل سرنگ انسولین ریختم. روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟

یکی از دوستانم را که سراز می‌نواخت، از شهرستان به تهران آوردم و چند مغازه آن طرف‌تر از مغازه مقتول بساط موسیقی‌اش را پهن کرد. قرار بر این بود که هر زمان او را دیدم، به صورت پیامکی به ما خبر دهد. من و همدست دیگرم که او از کارمندان هاشم بود، چند روز سوار بر موتورسیکلت از ساعت ۱۲ ظهر تا ۲ بعد از ظهر چند کوچه پایین‌تر به انتظار می‌ماندیم تا پیامک ارسال شود. روز هفتم که جمعه بود، دوستم پیام داد که مقتول با موتورش حرکت کرد. ما هم بلافاصله راه افتادیم اما او را گم کردیم، خیابان‌ها را بالا و پایین کردیم اما ردی از او به‌دست نیاوردیم. مایوس از پیدا کردن او تصمیم گرفتیم برگردیم که حوالی میدان فردوسی به صورت اتفاقی او را دیدیم و تعقیبش کردیم. به تقاطعی که رسیدیم سرنگ را برداشتم و در یک لحظه به او تزریق کردم.

اگر قصدت قتل نبود، چرا سم مار زدی؟

ماری که انتخاب کرده بودم نیمه‌سمی بود و فقط باعث تب و نهایت چند روز بی‌حالی می‌شد. اما از شانس بد، او را دیر به بیمارستان برده بودند و بعد که به بیمارستان منتقل کرده بودند آزمایشگاه بیمارستان تعطیل بود و او هم دوام نیاورده بود.

بعد از تزریق سم چکار کردی؟

به کافه‌ای در همان حوالی رفتم و به کاوه

پیام دادم که کار انجام شد. قلبان و قهوه سفارش دادم.

کاوه ۲ هزار دلاری را که قرارمان بود، آورد و از آنجا به پارک شهر رفتیم و بعد سه نفری برای تفریح به شمال رفتیم.

قرار بود کاوه به گوش او برساند که این زهر چشم به خاطر اذیت‌هایی بوده که برای هاشم داشته و دیگر دست از سر عمویش بردارد.

کی متوجه شدی که پسر جوان کشته شده است؟

از شمال که برگشتیم، حجله او را کنار مغازه‌اش دیدم. بلافاصله به کاوه زنگ زدم و گفتم چرا نگفتی او کشته شده است. او هم با من دعا کرد که تو باعث مرگش شدی.

در شیراز دستگیر شدید؛ چرا به آنجا رفته بودی؟

چند وقت بعد کاوه برایم عکس مردی را فرستاد که به او دکتر می‌گفتند، و گفت او را پیدا کنم. به همین خاطر به شیراز رفتم. با دکتر چه مشکلی داشتند؟

نمی‌دانم، من نپرسیدم اما فکرمی‌کنم یک چک از دکتر داشتند که چندین میلیارد بود. ظاهراً چند ماشین خریداری کرده بود که پولش را نداده بود، اما مطمئن نیستم. در شیراز مقابل مدرسه دخترانه‌ای ایستاده بودیم که پلیس به مأموران که ۱۰ میلیون تومان خریده بودیم، شک کرد. من هم گاز اشک‌آور داشتم و در نهایت دستگیر شدیم. عذاب وجدان داشتی؟

زمانی که مقتول دستم را موقع تزریق سم گرفت، یک لحظه بهم چشم در چشم شدیم. یکبار او را دیدم اما هزاران بار بعد از آن کابوس دیدم. به قدری حالم بعد از آن روز کذایی بد بود که به دارو رو آوردم.

تماس با پلیس ۱۱۰ برای خرید دارو

سالخورده به آنان اعلام کرد که دچار بیماری است و توانایی خروج از منزل را نداشته همچنین کسی را ندارد که داروهایش را از داروخانه برایش بخرد و از آنجا که به دیگران نیز اعتماد نداشته به مأموران ناچار با پلیس تماس گرفته و از مأموران درخواست کمک کرده است. رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ با بیان اینکه سالمندان سرمایه‌های هر کشور و شهری هستند، گفت: بلافاصله هماهنگی با مرکز عملیات پلیس انجام شد و مأموران نسبت به دریافت نسخه داروهای این شهروند و تهیه آن اقدام کردند.

گروه حوادث / بانوی سالخورده که به دلیل بیماری و تنهایی توانایی خرید داروهایش را نداشت با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و درخواست کمک کرد.

سرهنگ علی قاسم‌پور رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ با اشاره به ماجرای تماس عجیب یکی از شهروندان با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ گفت: چندی پیش زنی سالخورده با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفته و اعلام کرد که نیازمند حضور پلیس در محل است. بلافاصله عوامل گشت کالانتری ۱۵۶ افسریه به محل اعزام شدند اما با حضور مأموران در محل این بانوی



برخورد قانونی با معلم خاخی در لاهیجان

گروه حوادث / معلم مدرسه‌ای در دهستان لیلستان لاهیجان که پسر دانش‌آموزی را کتک زده بود با لغو ابلاغ به هیات تخلفات اداری معرفی شد.

به گزارش روز سه‌شنبه اداره اطلاع‌رسانی و روابط عمومی آموزش و پرورش استان گیلان، در پی انتشار اخباری در فضای مجازی مبنی بر تنبیه دانش‌آموز مدرسه‌ای در لاهیجان، معلم خاخی پس از بررسی عکس، خبر و صحت آن، فوری لغو ابلاغ و به هیات تخلفات اداری معرفی شد. محمدحسین رضائی، مدیرکل آموزش و پرورش گیلان گفت: پس

از تنبیه بدنی یک دانش‌آموز توسط معلم مدرسه‌ای در شهر لاهیجان بر اساس موازین قانونی و تأکیدات وزیر آموزش و پرورش در عدم اغماض و برخورد جدی در موضوع تنبیه بدنی دانش‌آموزان، معلم مدرسه لغو ابلاغ و به هیات تخلفات اداری معرفی شد. وی با ابراز تأسف از این حادثه اظهار کرد: براساس مواد ۸۱ و ۸۲ آیین‌نامه اجرایی مدارس، هرگونه تنبیه بدنی انجام این کار به طور جدی خودداری کنند.

کشف هزاران قرص لاغری تقلبی در یک خانه



غیرمجاز و تقلبی حاوی مواد روانگردان شیشه در بسته‌بندی‌های مختلف جعلی کشف شدند.

وی اظهار داشت: متهمان به مقر پلیس نامحسوس موفق شدند در اقدامی اعتراف کرده و پس از تکمیل پرونده برای مسیر مراحل قانونی به مقام قضایی تحویل داده شدند.

پایتخت شناسایی کرده و با هماهنگی با مقام قضایی برای دستگیری وارد عمل شدند. تیم‌های عملیاتی پلیس پس از چندین ساعت تعقیب و مراقبت شبکه‌های اجتماعی و به‌صورت حضوری در فضای مجازی با انجام رصد‌های شبانه‌روزی و پیگیری‌های صورت‌گرفته توسط مأموران دایره فتا پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ مشخص شد سه نفر از سودجویان با تشکیل باند مجرمانه در حوالی شرق پایتخت اقدام به تبلیغ و فروش مواد روانگردان در تعدادی از شبکه‌های اجتماعی و به‌صورت حضوری در عطاری‌های غیرمجاز می‌کنند. وی گفت: به‌دنبال این موضوع کارکنان دایره مبارزه با جرائم سایبری (فتا) و پلیس مبارزه با مواد مخدر (فاتب) با همکاری مأموران اطلاعاتی و عملیاتی پایگاه ششم موفق شدند، مخفیگاه متهمان را در یکی از محلات شرق

پایان یک گروگانگیری ۵ ساعته

محل نگهداری او و دستگیری عامل یا عاملان این اقدام آغاز کرده و در جریان آن محل حضور گروگانگیر را مورد شناسایی قرار دادند. در ادامه کارآگاهان با انجام تحقیقات میدانی و به‌کارگیری اقدامات پلیسی در یک عملیات غافلگیرانه در کمتر از پنج ساعت از وقوع آدم‌ربایی موفق به دستگیری گروگانگیر در باقرشهر شدند. متهم دستگیر شده در تحقیقات تکمیلی به ناچار لب به اعتراف کشوده و اذعان داشت که با توجه به اختلاف شخصی با قهر ر بوده شده، نقشه ربودن او را طراحی کرده است.

وی با بیان اینکه فرد گروگان به نزد خانواده‌اش بازگشت، گفت: متهم دستگیر شده نیز به همراه پرونده متشکله، برای انجام مراحل قانونی و ادامه روند رسیدگی به جرم، تحویل مرجع قضایی شد.

گروه حوادث / مرد جوان که برای تسویه حساب شخصی اقدام به گروگانگیری کرده بود در کمتر از ۵ ساعت دستگیر و گروگان آزاد شد.

سرهنگ محمدقاسم طرهانی فرمانده انتظامی شهرستان ری در تشریح جزئیات این خبر، گفت: روز دوشنبه به‌دنبال اعلام یک قهره آدم‌ربایی و گروگانگیری در یکی از محلات باقرشهر، بلافاصله مأموران کالانتری ۱۷۵ به محل اعزام شده و رسیدگی به موضوع را در دستورکار خود قرار دادند. بررسی‌های اولیه مأموران حاکی از آن بود که فردی به دلیل اختلافات قبلی، اقدام به آدم‌ربایی کرده و گروگان خود را به مکانی نامعلوم منتقل کرده است.

طرهانی ادامه داد: تیم عملیات کالانتری ۱۷۵ به منظور حفظ جان گروگان، تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی